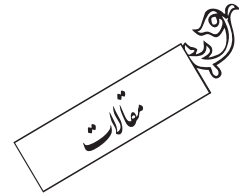


تاریخ دریافت: ۱۳۹۵ / ۰۶ / ۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵ / ۰۸ / ۰۷

(صفحه: ۱۳-۲۸)



«شیخ المورّخین» به تاریخ پیوست

رحیم رئیس‌نیا*

چکیده: این مقاله به مناسبت درگذشت خلیل اینالجیق، تاریخ‌نگار نامدار ترک، نگارش یافته است. نگارنده در این جستار، پس از مرور زندگی وی، از اوان کودکی تا رسیدن به مقام استادی در دانشکدهٔ زبان و تاریخ - جغرافیای دانشگاه آنکارا و بنیادهای تاریخ‌پژوهی ترکیه و خارج از ترکیه، به تألیفات ارزندهٔ او در زمینهٔ تاریخ عثمانی، به‌ویژه با استناد به اسناد آرشیوهای ترکیه و خارج از ترکیه، به‌خصوص انگلستان (مانند موزهٔ بریتانیا، آرشیو انگلیس، و مدرسهٔ مطالعات خاورزمین و آفریقا) پرداخته است. گذشته از معرفی کم و کیف بعضی از اسناد آرشیوی و آرشیوهایی که مورد مراجعهٔ استاد بوده، از بعضی از پژوهندگان ترک و اروپایی تاریخ عثمانی، چون عبدالباقی گولینارلی، محمدفواد کوپرولو / کوپرلی‌زاده، احمد زکی ولیدی طوغان، احمد رفیق، عثمان توران، پل ویتک، فرانس بابینگر، برنارد لوئیس و دیگران، نیز سخن رفته است.

بخش نخست این مقاله سال‌های نخست تدریس اینالجیق را دربرمی‌گیرد و بخش دوم آن فراز و فرود راه پربرکت صعود او را به جایگاه «مورّخ جهانی» و «شیخ المورّخین» بازمی‌نماید.

کلیدواژه: خلیل اینالجیق، تاریخ‌پژوهی، اسناد آرشیوی

خلیل اینالجیق^۱، تاریخ‌نگار نستوه ترک، در ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۶ / ۴ مرداد ۱۳۹۵، در صد سالگی از دنیا رفت؛ اما خبر درگذشت او، در جوش و خروش رویدادهای سیل‌آسای کودتای ترکیه، که ده روز پیش از آن به وقوع پیوسته بود، چنان‌که باید و شاید بازتاب نیافت.

خلیل از پدر تاتار تبار مهاجرت‌کرده‌ای به ترکیه عثمانی و مادری استانبولی به دنیا آمد. تولد خلیل در گرماگرم جنگ جهانی اول، که دولت «اتحاد و ترقی» عثمانی را در کنار متحدین وارد غرقاب آن کرده بود، به‌روایتی، در ۲۶ مه ۱۹۱۶ / ۵ خرداد ۱۲۹۵ و، به تأیید خود اینالجیق، در ۷ سپتامبر ۱۹۱۷ / ۱۵ شهریور ۱۲۹۶، در استانبول اتفاق افتاد (Akif Aydın: 477). خانواده او در ۱۹۲۵م / ۱۳۰۴ش به آنکارا، پایتخت جمهوری نویناد ترکیه^۲، نقل مکان کردند.

خلیل در دبستان غازی^۳ به تحصیل آغازید. در همان ایام، پدرش به علت ورشکستگی، به دنبال کار، به مصر رفت و در همان‌جا درگذشت. مادر او، که ادامه کار پدر (عطرسازی) را به عهده گرفته بود، خلیل را، برای ادامه تحصیل، به دانشسرای مقدماتی شبانه‌روزی سیواس برد، ولی خلیل سال سختی را در غربت گذراند و بیمار شد؛ و سال بعد در دانشسرای غازی آنکارا اسم‌نویسی کرد. پس از فارغ‌التحصیل شدن، می‌توانست برای معلمی راهی ادنه / آدانا^۴ شود، ولی به صلاحدید صدری مقصودی (۱۸۷۹-۱۹۵۷م)، سیاستمدار و فیلسوف ترک و دوست خانوادگی بوزقورت‌ها^۵ که در شناسنامه‌های جدید، نام خانوادگی اینالجیق را انتخاب کردند— در مدرسه شبانه‌روزی تربیت معلم نجاتی بیگ بالیکسیر^۶، از بهترین مراکز آموزشی سال‌های نخست جمهوری، ادامه تحصیل داد و در پرتو تربیت معلمان برجسته آن مدرسه، که بعضی از آنان از دانشگاه‌های اروپایی فارغ‌التحصیل شده و سپس به استادی دانشگاه رسیده بودند، تکامل

1. Halil İnalçık

۲. آنکارا در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ / ۵ آبان ۱۳۰۲ و در جریان جنگ رهایی‌بخش (Kurtuluş Savaşı)، که در مه ۱۹۱۹ /

اردیبهشت ۱۲۹۸، به رهبری مصطفی کمال پاشا (۱۸۸۱-۱۹۳۸م)، آغاز شده بود، به عنوان پایتخت اعلام گردید.

3. Gazi Mektebi

4. Adana

5. Bozkurt

6. Balıkesir

یافت و به‌ویژه از محضر عبدالباقی گولپینارلی^۱، ادیب و مولوی‌شناس برجسته، فایده فراوان برد. اینالجیق، گولپینارلی را چنین توصیف کرده است:

استاد فوق‌العاده‌ای بود... آن زمان جوان بود. می‌دانید، مولوی یا بکتاشی بود. حافظه‌اش مثل یک دیوان از شعر انباشته بود. همه اشعار را از بر می‌خواند. ما با اشتیاق درس او را انتظار می‌کشیدیم... او از وسط سرش فرق باز می‌کرد، عطر می‌زد، شیک‌پوش بود. غزل را با چنان شور و حالی می‌خواند که از خود بی‌خود می‌شد. ترکی عثمانی من بد نبود. علاقه فراوانی به ادبیات داشتم و شروع کردم به نوشتن نظیره به وزن عروضی برای غزل‌های استاد... ایشان به من تذکر دادند که چرا به طرز نو نمی‌نویسی و به طرز قدیم می‌نویسی؟ گفتم: والله شما هم غزل‌ها دارید... مودتی بینمان پدید آمد... (İNALCIK: 32-34).

اینالجیق، در عین حال، خاطر نشان می‌کند که در آن زمان، رمانی به نام *یک نابغه*، پیرامون زندگی گوته، تأثیر زیادی روی او گذاشته است. نویسنده این رمان حسن عالی یوجل^۲ (۱۸۹۷-۱۹۶۱م)، مدیر کل تعلیمات متوسطه وقت و وزیر تعلیم و تربیت ملی^۳، از ۱۹۳۸م/۱۳۱۷ش به بعد، بوده است (GÜNER SAYAR: 45-46).

زبان فرانسه وی به هنگام تحصیل در دانشسرا به قدری خوب بود که می‌توانست سروده‌های گوته، لامارتین و ویرژیل را بخواند و از آنها لذت ببرد. چنان‌که خود گفته است: زبان فرانسه را از عادل خانم، دختر صدوری مقصودی، که تحصیل کرده فرانسه و نخستین زنی بود که وارد وزارت خارجه ترکیه شد - و با هم مثل برادر و خواهر بودند - فرا گرفته و با آنکه آثار زیادی به انگلیسی تألیف کرده، اما زبان فرانسه او، در دهه‌های پایانی عمرش، بهتر از انگلیسی‌اش بوده است.

خانواده صدوری مقصودی، که بعدها نام خانوادگی آرسال^۴ را برگزیدند، در طبقه دوم خانه‌ای که اینالجیق با مادر و خواهرش ساکن طبقه پایین آن بودند، سکونت داشت (İNALCIK: 32-34). صدوری مقصودی تاتارتبار بود و در قازان و باغچه‌سرای و پاریس تحصیل کرده بود و، در کنار تحصیل در رشته حقوق، در زمینه تاریخ و ادبیات

1. A. GÖLPINARLI

3. Millî Eğitim Bakanı

2. Hasan Âli Yücel

4. Arsal

و جامعه‌شناسی نیز مطالعاتی داشت و نماینده تاتارها در دوما (پارلمان) روسیه تزاری (اول، دوم و سوم) بود و، پس از انقلاب ۱۹۱۷م در روسیه، به ریاست جمهوری دولت اورال-ولگا^۱ انتخاب شد و، با استیلای بلشویک‌ها بر منطقه مذکور، به فرانسه برگشت و در مؤسسات وابسته به دانشگاه سوربن به تدریس تاریخ اقوام ترک-تاتار و آسیای مرکزی پرداخت و، ضمن فعالیت‌های علمی-سیاسی، مقالاتی در مطبوعات، از جمله در مجله آسیایی^۲، منتشر کرد. صدی مقصودی در سال ۱۹۲۵م به ترکیه دعوت شد و در کنار تدریس تاریخ و فلسفه حقوق به فعالیت‌های علمی-سیاسی خود ادامه داد و، در فاصله ۱۹۳۰-۱۹۳۴م/۱۳۰۹-۱۳۱۳ش، نماینده مجلس کبیر ملی شد؛ ولی، به سبب اظهارنظرهای بی‌ملاحظه، طرد شد؛ از جمله، زمانی که به تأیید آتاترک برای دو بانک تازه تأسیس به نام‌های اتی بانک^۳ و سومر بانک^۴ برگزیده می‌شود، او تذکر می‌دهد که، با توجه به ساختار زبان ترکی، آنها را باید اتی بانکاسی و سومر بانکاسی نامید؛ یا زمانی که بر ایستگاه آنکارا علامت خورشید هیتی نقش می‌گردد، آن را نماد بت‌پرستی می‌داند که ارتباطی با ترک‌ها ندارد؛ و مواردی از این دست. بنابراین صدی مقصودی، در حالی که عضو بنیاد زبان ترکی^۵ و بنیاد تاریخ ترک^۶ بود - و کتاب برای زبان ترکی^۷ او که به خواست آتاترک تألیف شده و با مقدمه او در ۱۹۳۰م انتشار یافته بود - مغضوب واقع شد و از دانشگاه و مجلس و بنیادهای علمی برکنار شد. وی بعدها، با سرآمدن دوره تک‌حزبی، در دوره حکومت حزب دموکرات (۱۹۵۰-۱۹۶۰م)، مقام‌های علمی و فرهنگی و سیاسی خود را تا حدودی بازیافت و سرانجام در ۱۹۵۷م/۱۳۳۵ش درگذشت. او مؤلف کتاب‌هایی است که بعضی از آنها چون رمان معیشت (۱۸۹۸م) و اینگلتزیه سیاحت (سفر به انگلیس) (۱۹۱۲م) در قازان، و بعضی دیگر چون دولت‌های

۱. دولت اورال-ولگا یا ایدیل-اورال یک جمهوری متحد از تاتارها، باشتیرها و مردمان چواش بود که در کشاکش جنگ داخلی روسیه در مدت کوتاهی، به مرکزیت قازان، در ۱۲ دسامبر ۱۹۱۷م، از سوی کنگره مسلمانان روسیه و سیبری، تشکیل شد.

2. *Journal Asiatique*
5. Türk Dil Kurumu

3. Eti Bank
6. Türk Tarih Kurumu

4. Sümer Bank
7. *Türk Dili İçin*

ترک آسیای مرکزی^۱ (۱۹۳۴م)، مبانی جامعه‌شناسی احساس ملی^۲ (۱۹۵۵م) و کتاب‌هایی در زمینه تاریخ، فلسفه حقوق و سایر موضوعات، در فاصله سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۷م، در آنکارا و استانبول به چاپ رسیده‌اند (Akpinar 1: 396-397).

صدری مقصودی آرسال حق پدیری بر گردن خلیل اینالجیق و سهم عمده‌ای در زندگی او داشته، چنان‌که اینالجیق خاطر نشان کرده است: «بودنم با صدری مقصودی، و از نخستین دانشجویان دانشکده زبان و تاریخ- جغرافیا^۳ - بنیادنهاده آتاترک- بودنم، و... همه اینها در ساخت شخصیت من مؤثر افتاده‌اند» (İnalçık: 476).

زمانی که خلیل اینالجیق، پس از اتمام دوره تربیت معلم بالیکسیر در ۱۹۳۵م/ ۱۳۱۴ش، در صدد ادامه تحصیل در مؤسسه تربیت غازی در آنکارا بود، صدری مقصودی خبر می‌دهد که آتاترک دست‌اندرکار برپایی دانشکده زبان و تاریخ- جغرافیاست و، برای تحصیل در آنجا، چهل دانشجوی شبانه‌روزی پذیرفته خواهد شد. اینالجیق نیز که به توصیه صدری، خود را برای امتحان ورودی آماده کرده بود، در آن مؤسسه پذیرفته شد و بدین ترتیب راه یا شاهراه نویی در برابر او گشوده شد. این دانشکده، که بعدها با تأسیس دانشگاه آنکارا- با به هم پیوستن مؤسسات آموزش عالی موجود در آن شهر در ۱۹۴۶م/ ۱۳۳۵ش- وابسته آن شد، سه چهار سال پس از تأسیس بنیاد تاریخ ترک (۱۹۳۱م) و بنیاد زبان ترکی (۱۹۳۲م) و، به منظور فراهم آوردن زمینه علمی برای اثبات فرضیه آتاترک دایر بر اولویت و تقدم زبان و تاریخ و تمدن ترکان بر اقوام و ملل دیگر، بنیان گذاشته شد. این بنیاد با استخدام استادان غالباً یهودی‌تبار آلمانی، که با به قدرت رسیدن هیتلر در ۱۹۳۳م به ترکیه پناهنده شده بودند، به کار خود ادامه داد. چکیده نظریه تاریخ مورد قبول آتاترک، که با «نظریه زبان- خورشید»^۴ پیوستگی داشت و در همایش‌های تاریخ مطرح گردید، عبارت بود از اینکه نژاد ترک در کرانه‌های دریایی

1. Orta Asya Türk Devletleri

2. Milliyet Duyuşunun Sosyolojik Esasları

3. Dil, Tarih - Coğrafya Fakültesi

4. Güneş - Dil Teorisi

در آسیای مرکزی نخستین هسته تمدن را پدید آورده است. زمانی که آنجا خشکیدن گرفت، ترکان در چهارگوشه دنیا پراکنده شدند و بذر تمدن را در جهان افشاندند.

این نظریه با انتقاد شدید احمد زکی ولیدی طوغان^۱ (۱۸۹۰-۱۹۷۰م)، تاریخ‌نگار ترک باشقورت/باشگردتبار، که سرگذشتی کم و بیش همانند صدری مقصودی داشته، مواجه شد؛ چندان که طوغان سرانجام در اثر تشدید روزافزون هجمه هوچی‌گرانه، در ۱۹۳۲م/۱۳۱۱ش، ناگزیر به استعفا از معلمی تاریخ در دارالفنون استانبول شد و به اروپا رفت و با پذیرفته شدن پایان‌نامه دکتری‌اش پیرامون احوال و آثار ابن فضلان در دانشگاه وین در ۱۹۳۵م، در دانشگاه بن به کار پرداخت و یک سال بعد، برای تدریس، به دانشگاه استانبول فراخوانده شد. وی در سال‌های بعد نیز، بر اثر پافشاری بر باورهای علمی خویش، دچار گرفتاری‌هایی شد. ناگفته نماند که در سال ۱۳۱۱ش صدری مقصودی هم با مخالفان او هم‌صدا بوده است (Baykara: 21-22).

اینالجیق تحصیل در گروه تاریخ جدید را بر تحصیل در گروه‌های دیگر رشته تاریخ، چون چین‌شناسی^۲، هیتی‌شناسی^۳، سومرشناسی^۴، انسان‌شناسی^۵، هندشناسی^۶، لاتین، یونانی و... که غالباً مورد علاقه حکومت بودند، ترجیح داد. دلیل انتخاب تاریخ جدید، که تاریخ عثمانی را نیز در برمی‌گرفت، وجود آرشیوهای غنی و بکر دوره عثمانی بود؛ آرشیوهایی که کار مستمر در آنها افق‌ها و عرصه‌های نوینی را در برابر او گشود و او را در زمره تاریخ‌نگارانی وارد کرد که حرف‌هایی نو برای گفتن داشتند، و بدین ترتیب درهای دانشگاه‌ها و مجامع علمی جهان به رویش گشوده شد.

تلاش‌های اینالجیق توجه بعضی از استادان متنفذ چون شمس‌الدین گون‌آلتای^۷ (۱۸۸۳-۱۹۶۱م)، مورخ و سیاستمداری که بعدها به مقام نخست‌وزیری رسید، و

۱. درباره شخصیت علمی زکی ولیدی طوغان (A. Zeki Velidi TOĞAN) و مناسبات او با ایران مقاله‌ای به قلم نگارنده در دست تهیه است.

2. Sinoloji
5. Antropoloji

3. Hititoloji
6. İndoloji

4. Sümeroloji
7. Şemsettin Günaltay

محمدفؤاد کوپرولو^۱ / کوپرلی زاده را، که علاوه بر استادی دانشگاه، نماینده مجلس نیز بود، جلب کرد. اینالچیق در این باره چنین می‌نویسد:

فؤاد کوپرولو استاد کرسی تاریخ قرون وسطا بود و من دانشجوی کرسی تاریخ جدید بودم. با این همه، در سمینارها و دروس او حضور می‌یافتم. در یکی از سمینارهای او بحثی درباره تیمور درگرفت. می‌دانید، ما در تاریخ‌نگاری دوره عثمانی، از تیمور با لعن و نفرین یاد می‌کنیم. می‌گوییم که او امپراتوری عثمانی را در هم شکست و پنجاه سال از پیشرفت بازمان داشت و... در رأس تقبیح‌کنندگان او مکرمین خلیل بینانچ^۲ قرار دارد. از تیمور، در تاریخ، به مثابه بلایی که آناتولی را ویران کرد، دولت عثمانی را از پای درآورد، جهان اسلام را چپاول کرد و... یاد شده است. ما در سمینار فؤادبیگ پیرامون شخصیت و نقش تیمور در تاریخ مباحثه می‌کردیم. من در آن زمان آثار بارتولد و یک مورخ فرانسوی به نام بوات را درخصوص تیمور خوانده بودم. زکی ولیدی طوغان هم، پیش از همه، ضرورت تحقیق واقعی درباره تیمور را مطرح کرده بود. از آنجا که او اهل آناتولی نبود و از قازان آمده بود، نظر متفاوتی داشت. از این روی، هیچ‌یک از آن دو، یعنی مکرمین خلیل و زکی ولیدی، چشم دیدن یکدیگر را نداشتند. طوغان از این موضع‌گیری علمی و رودررویی خیلی ضرر دید. او که دانشمند بزرگی بود، چنان‌که باید و شاید، امکان فعالیت نیافت؛ مدام با مانع‌تراشی‌ها مواجه بود و حتی به زندان هم افکنده شد و در نهایت به آلمان رفت. او بر آن بود که تیمور را در جایگاه یک شخصیت تاریخی ببیند. بر سمینار فؤاد کوپرولو چنین جوی حاکم بود. من در چنان جوی بود که نظرهای مخالف را مطرح ساختم. فؤادبیگ سرانجام به من گفت: «در این صورت گزارشی برای سمینار آماده کن». در جلسه بعدی، با مقایسه نظرهای سه مؤلف، درباره تیمور گزارشی ارائه دادم و بارتولد را چونان تاریخ‌نگاری واقع‌بین معرفی کردم. فؤادبیگ تحت تأثیر قرار گرفت و خطاب به دانشجویان دیگر گفت: «بیچه‌ها، از همه شما تکالیفی در سطح کاری که این بیچه ارائه داد می‌خواهم». عثمان توران^۳ (۱۹۱۴-۱۹۷۸م) که دانشجوی

1. Mehmet Fuat Köprülü

2. Mükrimin Halil YİNAŇ

۳. عثمان توران (Osman TURAN) بنیان‌گذار کرسی تاریخ سلجوقی در ترکیه و مؤلف آثاری به‌ویژه در موضوع تاریخ سلاجقه روم و از شرکت‌کنندگان در همایش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود و مقاله‌ای با عنوان «Jami' al Tavarich et l'histoire de Turcs» «جامع‌التواریخ و تاریخ ترک‌ها» در ۱۲ آبان ۱۳۴۸ در تهران ایراد کرد (مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران ۱۳۵۰، ص ۶۸-۸۰). ایشان بعضی از کتاب‌های خود را به کتابخانه استاد زریاب خوبی اهدا کرده است.

خاص استاد بود و بدیهی است برنمی‌تافت که دانشجوی دیگری مورد توجه استاد قرار گیرد، گفت: «اما افندیم، این را که بارتولد فوق‌العاده است همه می‌دانند». اگر این کار را نکرده بودم، همچنان در کنار و دور از نظر و توجه می‌ماندم. تأثیر آن هم پس از پایان دوره دانشکده معلوم شد. زمانی که دیگر بایستی برای تدریس در دبیرستان‌ها به خارج از آنکارا می‌رفتیم، فؤاد کوپرولو پا پیش گذاشت و به رئیس دانشکده گفت: «خلیل اینالجیق را نگه دار. لازم است او در دانشکده بماند و رشد و ترقی کند. مادام که اینالجیق هست، کس دیگری را نمی‌توان نگه داشت» (İnalçık: 72-74).

اینالجیق پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده زبان و تاریخ- جغرافیا در آوریل ۱۹۴۰/ اردیبهشت ۱۳۱۹، با عنوان دستیار علمی، در همان دانشکده مشغول به کار شد و دو سال بعد، با دفاع از پایان‌نامه دکتری خود، با عنوان *تنظیمات و مسئله بلغار^۱* و پذیرفته شدن در امتحان دستیاری، در اوت ۱۹۴۲/ شهریور ۱۳۲۱ به عضویت هیئت علمی درآمد. او پایان‌نامه خود را با کندی‌کاو در اسناد مربوط به مسئله بلغار، که به فرمان سلطان عبدالحمید دوم در ده دفتر تدوین شده بود و در دولما‌باغچه‌سرای نگهداری می‌شد، فراهم آورده بود. اینالجیق به اهمیت اسناد در بررسی‌های تاریخی پی برده بود، از این رو، پایان‌نامه دانشیاری خود را نیز غالباً با بهره‌مندی از اسناد آرشیوی تألیف کرد. عنوان رساله او *امپراتوری عثمانی و خانات کریمه، از وین تا رجعت بزرگ^۲* بود، که در دسامبر ۱۹۴۳/ آذر ۱۳۲۲ از آن دفاع کرد و پس از آن هم مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی، به زبان ترکی و انگلیسی، در موضوع تاریخ عثمانی منتشر کرد، که اسناد آرشیوی از منابع عمده آنها بود. اینالجیق به تدریج به عنوان یکی از پژوهندگان تاریخ عثمانی، در ترکیه و سپس در دنیا، شناخته شد. در ۱۹۴۷م/ ۱۳۲۶ش به عضویت بنیاد تاریخ ترک درآمد و در ۱۹۴۹م/ ۱۳۲۸ش، به منظور وسعت بخشیدن به دایره دانش و تجربیاتش و آشنایی نزدیک با مراکز و مجامع علمی انگلستان، از طرف دانشکده‌ای که در آن تدریس می‌کرد، به آن کشور اعزام شد و دوره فرصت

1. *Tanzimat ve Bulgar Meselesi*

2. *Viyana'dan Büyük Ricat'e Osmanlı İmparatorluğu ve Kırım Hanlığı*

مطالعاتی‌اش بیش از یک سال و نیم ادامه یافت. او در این مدت، در چند بنیاد علمی، به پژوهش‌های پرثمری پرداخت که اهم آنها به شرح زیر است:

۱) موزه بریتانیا^۱ - این موزه که در اواسط قرن هجدهم میلادی تأسیس شد، یکی از غنی‌ترین موزه‌های جهان و دربردارنده بیش از هفت میلیون گنجینه و آثار باستانی از بسیاری از اقوام و تمدن‌های جهان است. در این موزه، علاوه بر نسخ خطی فارسی و عربی و...، بخشی هم مختص به نگهداری نسخ خطی ترکی است و خلیل اینالجیق، در مدت اقامت خود، فرصت یافت که درباره قانون‌نامه‌های موجود در آنجا تحقیق و، به اتفاق عثمان توران، منبع مهمی را کشف کند. عثمان توران متن این منبع را با عنوان *تقویم‌های تاریخی*^۲، در ۱۹۵۴م، در آنکارا منتشر کرد. از منبع سالنامه‌ای مذکور تنها در *تاریخ آماسیه*^۳، تألیف حسام‌الدین حسین عبدی‌زاده (وفات: ۱۹۳۹م)، مترجم عربی و فارسی «قیود قدیمه» وزارت اوقاف، سخن رفته است. تاریخ مذکور مشتمل بر دوازده جلد است که تنها چهار جلد آن در زمان حیات مؤلف چاپ و منتشر شده و برای چاپ و نشر کامل این اثر بزرگ اقداماتی صورت گرفته است. «تقویم‌های» آثار آثاری بودند مشتمل بر شرح حوادث مهم در تاریخ‌های مشخص که منجم‌بازی‌ها آماده و در اول هر سال به پادشاهان تقدیم می‌کردند تا آنان را در تصمیم‌گیری‌های مهم راهنما باشند. این آثار را «احکام سال» و «اختیارات» نیز می‌نامیدند. این تقویم‌ها، به دلیل دربرداشتن تاریخ وقوع حوادث مهم، از منابع تاریخ‌نگاری به شمار می‌روند.

خلیل اینالجیق، در پاسخ به این پرسش که «این کتاب‌های خطی چگونه به موزه بریتانیا راه یافته‌اند؟»، می‌گوید:

اینها دزدیده و برده می‌شوند. امروز هم برده می‌شوند! چند سال پیش، نوشته‌های شخصی صدرالدین قونوی، متصوف معروف و دوست مولانا، را از کتابخانه یوسف‌آقای قونیه ربودند و آنها بالاخره از لندن سر درآوردند. پول‌های کلانی در این کار دست به دست می‌شود؛ ترکیه را غارت می‌کنند... به هرصورت، ما این تقویم را در موزه بریتانیا پیدا کردیم. نسخ خطی فراوانی

1. British Museum

2. Tarihi Takvimler

3. Amasya Tarihi

از «اختیارات» در کتابخانه‌های ترکیه نیز موجود است... در لندن، گذشته از موزه‌های بزرگ، موزه‌های ویژه‌ای هم در کاخ‌ها وجود دارد که به آنها هم سر می‌زدم. در موزه بریتانیا، در پیوند با تاریخ اروپا، روی این منبع اصلی متمرکز شدم. انگلیسی‌ها، با اعزام هیئت‌هایی به آرشیوهای ایتالیا و اسپانیا، اسناد مربوط به تاریخ انگلیس را برگزیده، به انگلیسی ترجمه و همه را تدوین و زیر عنوان عمومی «تقویم اسناد دولتی»^۱ منتشر کرده‌اند؛ از جمله هیئتی به سرپرستی آقای براون به آرشیو ونیز رفته، یادداشت‌ها و گزارش‌هایی را که به قرن پانزدهم و پس از آن تعلق دارند، برگزیده، ترجمه و منتشر کرده است. مجموعه تقویم اسناد دولتی ونیز^۲ مشتمل است بر حدود ۴۰ جلد. از اسناد برگرفته از آرشیو اسپانیا هم حدود ۲۵ جلد منتشر شده است. مجموعه دیگری هم به نام مجموعه کولونیا^۳ وجود دارد که مربوط است به تاریخ مستعمرات و به گمانم حدود ۲۵-۳۰ جلد را در برمی‌گیرند. من در موزه بریتانیا درباره آنها کندوکاو می‌کردم... در آن میان، اسناد آرشیو ونیز، به علت مناسبات دائمی آن جمهوری خودمختار تجارتنی — که از حدود قرن ۱۰م/۱۴ق تأسیس شد — با عثمانی، از اوان برآمدن آن در غرب آسیا و شرق اروپا، در قرن ۱۴م/۱۸ق، اهمیت خاصی برای تاریخ آن امپراتوری دارد (Ibid: 108-109).

ونیزی‌ها، در استانبول، بایوز/ بایوس^۴ (= سفیر ونیز در حکومت عثمانی) (Zeki Palalıv: 1/157-158) داشتند. به گفته اینالجیق، کارگزاران سفارت، با دادن رشوه به کاتبان، می‌توانستند مثلاً رونوشت یک توافق‌نامه را به دست بیاورند:

می‌خواهم بگویم که آرشیو ونیز برای ما — پژوهندگان تاریخ عثمانی — چقدر اهمیت دارد. بایوز شخصیت هر پاشایی را، از این نظر که رشوه‌گیر است یا نه، به اطلاع سنای کشور خود می‌رساند. انگلیسی‌ها با ترجمه چنین اسنادی از آرشیو ونیز اطلاعات فراوان درباره عثمانی به دست آورده‌اند. کار من در موزه بریتانیا یادداشت برداشتن از اسناد تقویم دولتی بود و برداشتن و گذاشتن دفترهای [فراهم‌آمده از مجموعه اسناد برگزیده مربوط به عثمانی از آرشیو ونیز]. کارم هم دشوار نبود زیرا که پیدا کردن اسناد [مربوط به عثمانی]، با توجه به ماده «ترک» مندرج در آنها، آسان بود (Ivalak 110).

اینالجیق موظف به نوشتن تاریخ اروپا بود، اما می‌گوید:

1. *Calendar of State Papers*

2. *Calendar of State Papers Relating to English Affairs in the Archives of Venice*

3. *Colonial Series*

4. Balyoz/ Balyos

تاریخ اروپا را نتوانستم بنویسم؛ حالا هم که به اواخر عمر خود رسیده‌ام، دیگر گمان نمی‌برم آن را بنویسم. اما [با تهیه یادداشت‌هایی از این دست] می‌توانستم مناسبات عثمانی و اروپا را به رشته تحریر درآورم (Ibid: 111).

۲) آرشیو انگلیس یا اداره اسناد عمومی^۱ - مؤسسه آرشیو ملی بریتانیا که پیش‌تر اداره بایگانی عمومی نام داشت، بعدها به آرشیو ملی تغییر نام یافت. اینالجیق در لندن، برای پژوهش، به آرشیو انگلیس یا اداره اسناد عمومی، یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین آرشیوها در دنیا، مراجعه کرد و در آنجا اطلاعات و اسناد مربوط به عثمانی را به صورت ریزفیلم (میکروفیلم) تهیه کرد. وی خاطر نشان می‌کند که اسناد انگلیسی، در مقایسه با اسناد آرشیوهای عثمانی، کیفیت پایینی دارند:

انگلیسی‌ها از کاغذ نامرغوبی استفاده کرده‌اند، چنان‌که مرکب به پشت برگه نفوذ کرده است. در صورتی که وقتی یک سند مثلاً متعلق به قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری آرشیو ما را نگاه می‌کنی، چنان است که گویی امروز نوشته شده است، زیرا که [در عثمانی] کاغذ را به شیوه‌ای خاص تولید می‌کردند و رویش آهار می‌کشیدند. انگلیسی‌ها جماعتی مقتصدند و خواندن اسناد آنان دشوار است (Ibid: 111).

اینالجیق، پس از انتقال ریزفیلم‌هایی که از آرشیو انگلیس تهیه کرده بود با اورحان بوریان^۲ (۱۹۱۴-۱۹۵۳م)، استاد دانشکده زبان و تاریخ- جغرافیا و دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی در کمبریج- و از معدود کسانی که به زبان انگلیسی قدیم مسلط بود- قرار می‌گذارد تا اسناد مربوط به عثمانی را که از آرشیو انگلیس گردآوری شده بود، به صورت مجموعه منتشر کنند، اما با مرگ زودرس بوریان، بر اثر سرطان، این کار ناممکن می‌شود (Ibid).

۳) مدرسه مطالعات خاورزمین و آفریقا (سواس)^۳ - این مؤسسه یکی از دانشکده‌های مجموعه دانشگاه لندن و از جمله مؤسسات علمی- پژوهشی بود که اینالجیق ساعاتی از اوقات روزانه‌اش را معمولاً در آنجا می‌گذراند.

1. Public Record Office

2. Orhan BURİAN

3. School of Oriental and African Studies (SOAS)

در این مدرسه/دانشکده کرسی زبان ترکی^۱ دایر شده بود، که در آن ایام، پُل ویتک^۲ (۱۸۹۴-۱۹۷۸م)، تاریخ‌دان و شرق‌شناس اتریشی، در رأس آن قرار داشت. ویتک، که یک سال پیش از سفر پژوهشی اینالجیق به انگلستان به استادی کرسی مذکور رسیده بود، هفته‌ای یک سمینار برگزار می‌کرد و، در هر جلسه، معمولاً اثر تازه منتشرشده‌ای درباره تاریخ عثمانی را نقد و بررسی می‌کرد و جرّو بحث‌ها تا ساعاتی پس از غروب ادامه می‌یافت. اینالجیق در آن سمینارها با دانش‌پژوهانی چون ویکتور مناز^۳ و الیزابت زاخاریادو^۴—هر دو از دانشجویان ویتک که بعدها در زمینه عثمانی پژوهی شهرتی کسب کردند—همچنین با برنارد لوئیس^۵، تاریخ‌دان و خاورشناس انگلیسی، آشنا شد. لوئیس، با وجود آنکه خود صاحب کرسی خاور نزدیک و میانه در مدرسه مطالعات خاورزمین و افریقا بود، همواره شرکت در سمینارهای ویتک را مغتنم می‌شمرد.

پُل ویتک خلیل اینالجیق را از آثار چاپی او می‌شناخت و ترجمه اینالجیق از مقاله ویتک با عنوان «از شکست آنکارا تا فتح استانبول»^۶، شش سال پیش از آشنایی حضوری آن دو، در شماره VII/1 (۱۹۴۳م) نشریه بگتین^۷ منتشر شده بود. ویتک در یک خانواده چک‌تبار به دنیا آمد. با آغاز جنگ جهانی اول، تحصیل در تاریخ و زبان‌شناسی روم باستان در دانشگاه وین را ناتمام رها کرد و به ارتش پیوست و، پس از زخمی شدن در جنگ با روس‌ها، مستشار ستاد ارتش ترکیه شد. ترکیه در کنار آلمان و اتریش-مجارستان وارد جنگی عالم‌سوز شده بود. او از ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش در استانبول به کار پرداخت. بنا بر آنچه او برای اینالجیق نقل کرده، زمانی که با قطار عازم ترکیه بوده، بی‌آنکه زبان ترکی بداند و تنها با مطالعه یک کتاب گرامر ترکی، وقتی در استانبول از قطار پیاده شده، توانسته به زبان ترکی سخن بگوید. اینالجیق می‌افزاید که افسرانی

1. Turkish Program

2. Paul Wittek

3. Victor MÉNAGE

4. Elizabeth ZACHARIADOU

5. Bernard Lewis؛ درباره زندگی و آثار علمی و نیز باورهای سیاسی نومحافظه‌کارانه و صهیونیستی او، که به قول خودش، با خلیل اینالجیق در یک روز به دنیا آمده است— İnanlık: 158-159.

6. "Ankara Bozgunundan İstanbul'un Zaptına"

7. Belleten

چون ویتیک بعدها تاریخ‌پژوه عثمانی و استاد زبان و ادبیات ترکی شدند. یکی دیگر از این افراد فرانس بابینگر^۱ (۱۸۹۱-۱۹۶۷م)، تاریخ‌پژوه و خاورشناس معروف آلمانی است (Inalcik: 103). وی نزدیک به بیست جلد کتاب درباره تاریخ و تمدن و فرهنگ و هنر عثمانی تألیف کرده که معروف‌ترین آنها تاریخ‌نگاران عثمانی و آثارشان^۲ است. این اثر را جوشقون اوچوق (وفات: ۱۹۸۸م)^۳ در ۱۹۸۲ میلادی به ترکی^۴ ترجمه کرده است.

ویتیک، پس از پایان جنگ، به تحصیل در دانشگاه وین ادامه داد و بعد از دریافت مدرک دکتری در ۱۹۲۰م، ضمن کار در مطبوعات، به پژوهش درباره سده‌های نخست امپراتوری عثمانی و انتشار چند مقاله در این زمینه پرداخت و سپس به منظور گسترش دامنه آگاهی‌های خود، در ۱۹۲۴م، یک سال پس از اعلان جمهوری، به ترکیه برگشت و گزارشگر ترک‌شناسی انستیتوی باستان‌شناسی آلمان شد و نخستین اثر چشمگیر خود با عنوان بیگ‌نشین متشه^۵ را با همکاری کتابخانه آلمان در استانبول (۱۹۳۴م) منتشر کرد. او، در این زمان، مدیر کتابخانه انستیتوی آلمان در استانبول بود. هم‌زمان با سلطه رژیم نازی بر آلمان، ویتیک در بروکسل اقامت گزید و در انستیتوی پژوهش‌های بیژانس‌شناسی به کار و تحقیق پرداخت. با گسترش دامنه استیلای هیتلر در اروپا، با قایق به انگلستان گریخت و در آنجا بازداشت شد؛ سپس با پا درمیانی هامیلتون گیب^۶ (۱۸۹۵-۱۹۷۱م) و ادوارد دنیسون راس^۷ (۱۸۷۱-۱۹۴۰م)، دو خاورشناس متنفذ انگلیسی، از بند رهایی یافت. پس از آن، در دانشگاه لندن به کار پرداخت و، در ۱۹۴۸م، در رأس کرسی نوینیاد زبان ترکی در مدرسه مطالعات خاورزمین و آفریقا قرار گرفت (Alpınar: 45-46).

خلیل اینالجیق، با استناد به گفته‌های ویتیک، می‌گوید که وی زمانی که مدیر کتابخانه انستیتوی آلمان بود، با فؤاد کوپولو آشنا شد و از دانش ژرف او بهره فراوان برد. ویتیک هنگام ترک کتابخانه آلمان آرزو داشت در دانشگاهی در ترکیه کار کند، ولی کوپولو از کمک به او خودداری کرد. اینالجیق همچنین به شایعاتی اشاره کرده مبنی بر اینکه گویا فؤاد کوپولو

1. Franz Babinger

3. Coşkun Üçok

5. Das Fürstentum Mentеше

7. Edvard Denison Ross

2. Die Geschichtschreiber der Osmanen und ihre Werke

4. Osmanlı Tarih Yazırları ve Eserleri

6. Hamilton A. R. Gibb

احمدرفیق را از دانشگاه برکنار کرده است. احمدرفیق آلتین‌آی^۱ (۱۸۸۰-۱۹۳۷م)، به اعتباری، واپسین نماینده شیوه تاریخ‌نگاری قدیم، نخستین نماینده تاریخ‌نگاری نو و بهترین نماینده تاریخ‌نگاری عامه‌پسند در ترکیه به شمار می‌رود. در کنار آثار تاریخی مردم‌پسند و پرشمار آلتین‌آی، که در بین آنها کتاب شش جلدی بیوک تاریخ عمومی (تاریخ عمومی بزرگ) (استانبول ۱۳۲۸ق) از شناخته‌شده‌ترین آنها از جمله در ایران است. از او مقالات علمی بسیاری نیز در تاریخ عثمانی انجمنی مجموعه‌سی (مجله انجمن تاریخ عثمانی) به چاپ رسیده است. وی از نخستین مورخانی است که به تشویق انورپاشا (۱۸۸۱-۱۹۲۲م)، به «خزینة اوراق» (آرشیو) راه یافت و، با بهره‌مندی از اسناد آرشیوی، آثار ارزشمندی به‌ویژه درباره وضع اجتماعی و گذران مردم استانبول در سده‌های گذشته تألیف کرد. احمدرفیق، از ۱۹۱۸م، مدرس تاریخ عثمانی در دارالفنون عثمانی و، از ۱۹۲۵م، رئیس «تورک تاریخ انجمنی» (انجمن تاریخ ترک) بود و، در ۱۹۳۳م، به علت اصلاح و نوسازی دانشگاه، به اتفاق بعضی از مدرسان و استادان قدیمی، از تدریس در آنجا محروم شد (ÖZCAN: 163-164). محمدفؤاد کوپرولو هم که ده سال کوچک‌تر از احمدرفیق و، مثل او، انسانی خودآموخته و خودساخته بود. با آنکه مدرک تحصیلات عالی نداشت، در شیوه تحقیق و تفسیر متون و ارائه آثار نوگرایانه در زمینه تاریخ و تاریخ ادبیات عثمانی و ترکی دانشوری پرمایه و چیره‌دست بود. او در سال‌های نخست دهه ۱۹۳۰م، که به‌نوعی دوره انقلاب فرهنگی در جمهوری نویناد ترکیه بود، چنان موقعیتی نداشت که بتواند، در برابر جریان حاکم، از دیدگاه‌های علمی خویش دفاع کند؛ چنان‌که در آغاز دهه مذکور، از نهادهای نوین در حال شکل‌گیری چون جمعیت‌های تحقیق تاریخ ترک و زبان ترکی، که بعدها به بنیاد تاریخ ترک و بنیاد زبان ترکی تغییر نام یافتند، برکنار ماند و حتی، به دلیل نداشتن مدرک تحصیلات عالی، حقوق ماهانه‌اش تقلیل یافت. او در نخستین همایش تاریخ، در ژوئیه ۱۹۳۲، به طور غیرمستقیم ایرادهایی به نظر رسمی وارد کرد، ولی در بعدازظهر روزی که مقاله خود را ارائه داده بود، با توضیحات توجیه‌گرایانه، به‌نوعی از اظهارات پیش‌ازظهر خود

عذرخواهی کرد و بدین طریق جان به سلامت برد. در حالی که زکی ولیدی طوغان، با پا پس نهادن از موضع خود، با چنان حملاتی مواجه گردید که ناگزیر ترکیه را ترک کرد. کوپرولو در همایش نخست زبان ترکی هم، که سه ماه بعد برگزار شد، در صف حمله‌کنندگان به استاد خود، حسین جاهد یالچین^۱ قرار گرفت، که جسورانه از دخالت دولت در زبان انتقاد کرده بود، و با اقدامات مصلحت‌گرایانه در زمره راه‌یافتگان بر سر سفره آتاترک درآمد و، بدین طریق، در جریان اصلاح و نوسازی دانشگاه در ۱۳۳۳ش به رتبه استاد ممتازی^۲ ارتقاء یافت و به ریاست دانشکده ادبیات بازگمارده شد. وی، در سال‌های بعد، به نمایندگی مجلس و وزارت امور خارجه کابینه حزب دموکرات رسید و، در کنار فعالیت‌های سیاسی، به خدمات فرهنگی و انتشار آثار پژوهشی گران‌قدر خود ادامه داد. گفتنی آنکه وی در ۱۳۱۳ش، همراه دانشجو و دانشیار خود، علی نهاد تارلان^۳ (۱۸۹۸-۱۹۷۸م)، در جشن «هزاره فردوسی» در تهران شرکت کرد. نسلی از تاریخ‌نگاران ترک، از جمله عثمان توران، محمد کویمن^۴، ابراهیم قفس‌اوغلو^۵، بهاء‌الدین اوگل^۶، نشئت چاغاتای^۷، شریف باشتاوا^۸، طیب گوک‌بیلگین^۹ و خلیل اینالجیق، از دانشجویان کوپرولو در دانشکده زبان و تاریخ-جغرافیا بوده‌اند (Koprülü: 1-15).

اینالجیق، پس از حدود یک سال و نیم پژوهش در آرشیوهای بریتانیا و آشنایی با منابع جدید تاریخ‌نگاری، و نشست و برخاست با استادان و دانشجویان تاریخ، با کوله‌باری از اسناد، آثار، تجربه‌ها و رابطه‌های کارساز، به ترکیه بازگشت تا در راه دشوار اما پرکشش تحقیق و تألیف با انگیزه‌های نوآندوخته گام بردارد و شایستگی عنوان «مورخ جهانی»^{۱۰} را به دست آورد که سرلوحه مجموعه مقالاتی است که دوستداران و شاگردان ترک و غیرترکش در بزرگداشت او نوشته‌اند (Bayhan et al.: 9).

1. H. C. Yalçın
5. İ. Kafesoğlu
9. T. Gökbilgin

2. Ordinatyüs
6. B. Ögel
10. Dünya Tarihçisi

3. Ali Nihad Tarkan
7. N. Çağatay
4. M. Köymen
8. Ş. Başiyav

منابع

- Âkif Aydın, Mehmet, "Halil İnalçık ile Türk Hukuk Tarihi Üzerine", *Türkiye Araştırmaları Literatür Dergisi*, Bahar 2005, C. 3, S. 5, s. 477-488.
- Akpınar, Turgut (1), "Arsal, Sadri Maksudi", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, Ankara 1991, C. 3, s. 396-397.
- (2), "Witteck, Paul", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, Ankara 2013, C. 44, s. 45-46.
- BAYHAN, Nevzat et al. (ed.), *Türk Tarihçiliğinde Dört Sima: Halil İnalçık, Halil Sahillioğlu, Mehmet Genç, İlber Ortaylı*, Kültür A. Ş., İstanbul 2006.
- BAYKARA, Tuncer, *Zeki Velidi Togan*, Kültür Bakanlığı, Ankara 1989, s. 21-22.
- GÜNER SAYAR, Ahmed, "Yücel, Hasan Âli", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, Ankara 2013, C. 44, s. 45-46.
- İNALÇIK, Halil → *Tarihçilerin Kutbu: Halil İnalçık Kitabı*.
- KÖPRÜLÜ, Orhan F., *Fuad Köprülü*, Kültür ve Turizm Bakanlığı, Ankara 1987.
- ÖZCAN, Abdülkadir, "Ahmed Refik Altınay", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*, Ankara 1989, C. 43, s. 163-164.
- Tarihçilerin Kutbu: Halil İnalçık Kitabı*, Emine ÇAYKARA (söyleşi), İstanbul 2011.
- Zeki PAKALIN, Mehmet, *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, Milli Eğitim Basımevi, İstanbul 1946, C. 1, s. 157-158.